



دوماهنامه‌ی ادبی- تربیتی- اجتماعی
نبض حیات/ شماره چهاردهم/
زمستان ۱۴۰۲/ پردیس زینبیه پیشوا



سخن سردبیر

علم، نیاز بشر است و دانستن، برنامه‌ی او. در واقع بشر امروز به خوبی این حقیقت را دریافته است که بدون علم، زندگی‌اش یکنواخت و گاه سخت می‌شود. شاید اولین و آخرین دلیل آدمی برای در پی علم رفتن رفاه او باشد. اما نباید غافل از این واقعیت باشیم که علم و دانش سلاح امروز بشر است و در یک نگاه واقع بینانه اگر بگوییم امروزه علم سلاح هر کشوریست پر بیراه نگفته‌ایم چرا که این علم است که هم نشان از پویایی یک جامعه می‌دهد و هم ثمره‌ای از جنس بی‌نیازی را به دنبال دارد. جهانی که ما آن را خلق کرده‌ایم فرآیندی از تفکر ماست؛ بدون تغییر تفکرات ما، نمیتوان جهان را هم تغییر داد. در روند انتشار این شماره تمام تلاشمان را کردیم تا از مطالبی بهره ببریم تا لایق نگاه شما

مخاطبان فهیم باشد چرا که آگاهی قشر جوان فرهنگی دستور کار تمام فعالیت‌هایمان بوده است؛ چرا که درنهایت آگاهی است که زندگی بشریت را نجات خواهد داد.

و در پایان صمیمانه از حمایت‌های بی‌دریغ خانم دکتر سرسرابی، ریاست محترم پردیس؛ خانم دکتر برهانی، معاونت آموزشی پردیس و اعضای زحمتش هیئت تحریریه که ما را در انتشار این شماره یاری رساندند مراتب تشکر را به جا می‌آوریم.

نسرین سعادت
سردبیر نشریه‌ی اجتماعی- تربیتی- ادبی نبض حیات



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه:

دوماهنامه‌ی ادبی- تربیتی- اجتماعی نبض حیات/ شماره چهاردهم/ اسفند ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: دانشگاه فرهنگیان پردیس زینبیه

مدیر مسئول و سردبیر: نسرین سعادت

نویسندگان: فاطمه معصومی، مریم مرادی، سما محمدی، نسرین سعادت،

زهرا عباسی، فاطمه مقصودی، پریا تیموری، مریم سارابه

صفحه آرا: مرضیه انبری

طراح لوگو: هانیه ملکی

ویراستار: نسرین سعادت، امیر اسدی

تصویرگر: معصومه نعمتی

نشانی دفتر نشریه: پردیس زینبیه پیشوا، ساختمان آموزش، طبقه اول، واحد فرهنگی پردیس زینبیه.

نوع چاپ: چاپی-الکترونیکی

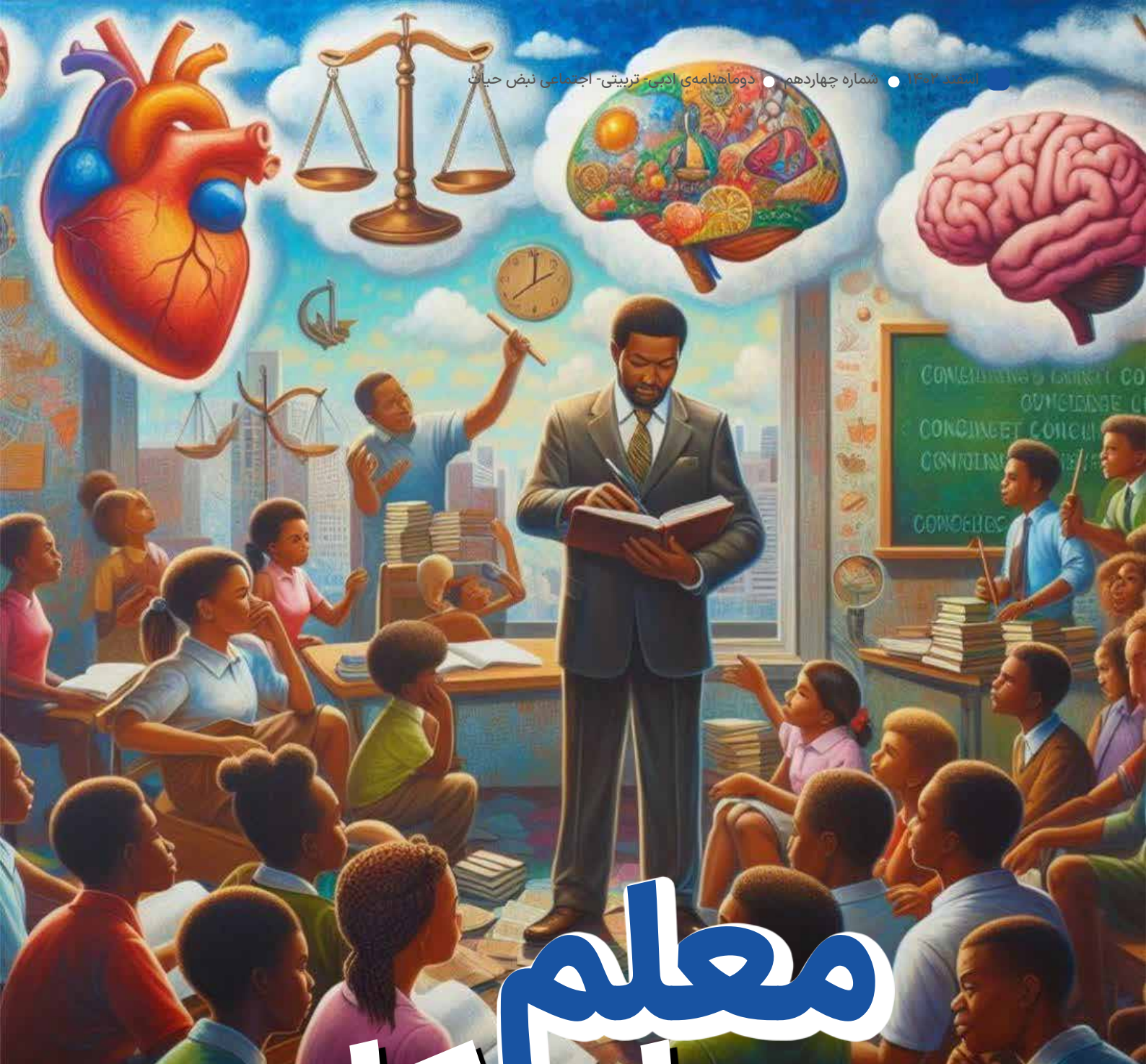
@nabzehayat_cfu

@nabzehayatnh

فهرست:

- ۱..... سخن سردبیر
- ۲..... وجدان کاری معلم
- ۵..... روان شناسی تربیتی در آموزش و پرورش
- ۸..... اختلال رفتاری نوجوانان
- ۱۲..... پول چیست؟
- ۱۴..... از نهضت ملی شدن صنعت نفت تا.....!
- ۱۶..... تاثیر هنر شرق بر معماری غرب
- ۱۹..... معرفی کتاب
- ۲۰..... از نامه‌ها؛ نامه چهارم





معلم وجدان کاری

- کار باید بدون نظارت و بررسی عوامل خارجی در نهایت صحت و درستی به اتمام برسد.
- کار باید با صرف کمترین هزینه انجام گیرد.

وجدان کاری ضمن این که نظم خاصی در عملکرد ایجاد می‌کند، افراد نسبت به شغلی که در آن هستند احساس رضایت می‌کنند که این امر موجب پیشرفت شغلی و عدم ترک شغل می‌شود. در این صورت افراد به ارزش‌های درونی خود توجه بسزایی دارند و تنها محور توجه را خود قرار نمی‌دهند و نسبت به حقوق و منافع دیگران احساس مسئولیت نشان می‌دهند. این گونه شکل گیری شخصیت که متکی بر ارزش‌های درونی باشد نیازمند تربیت و آموزش‌های جدی در دوران کودکی و تحصیل می‌باشد. بنابراین در رأس شکل گیری وجدان کاری مناسب، معلمان دلسوز قرار دارند که ابتدا خود باید با استفاده از وجدان کاری رضایت شغلی داشته باشند. معلمان باید از روی دلسوزی، از روی صمیمیت، بااحساس اینکه کشور و ملت و این انقلاب، به هریک ساعت درس آن ها نیاز دارد، خوب کار کنند و با این روحیه و با این وجدان درس بدهند.

معلمانی که از سطوح بالای تعهد و وجدان کاری برخوردارند با انگیزه‌ی بیشتری در کلاس‌های درس حضور یافته و با تلاش‌های مستمر دستیابی به تحقق اهداف تعلیم و تربیت تسهیل می‌کند. همانطور که آشکار است برخی از معلمان در انجام وظایف خود کوتاهی کرده و بازده چندان در کار از خود نشان نمی‌دهند که یکی از مهم‌ترین عوامل این امر نبود وجدان کاری در آنهاست که خود به تنهایی می‌تواند مشکلات زیادی را در راستای تربیت دانش آموزان ایجاد کند. ضمن این که وجدان کاری یکی از مهم‌ترین عوامل در انجام وظایف به نحو احسن می باشد، می‌تواند اثرات منفی برای افراد ایجاد کند. افرادی که در سطوح بالای وجدان کاری قرار دارند در انجام وظایف خود به حقوق دیگران توجه و دقت بسیاری می‌کنند که این خود باعث پیشبرد کارها به صورت آهسته و کند می‌شود و فرد نمی‌تواند به کارهای بیشتری بپردازد.

همچنین برای این که یک کار را به اتمام برسانند به زمان زیادی نیاز دارند، با این وجود معلمان بایستی تمام ابعاد را در انجام وظایف خود در نظر بگیرند؛ زیرا معلمی از جمله شغل‌هایی است که پیامد خود را در آینده و در رفتار و عملکرد جوانان و جامعه نشان می‌دهد و به همین دلیل نیاز به تفکر در پیشبرد اهداف و دیدگاهی تحلیل گرایانه برای پیش بینی آینده دارد و در این راستا باید به طور سنجیده و تیزبینانه عمل کرد. همانطور که می‌دانیم بارزترین ویژگی‌های معلمان موفق که توانسته‌اند به مهم ترین هدف تعلیم و تربیت که رساندن انسان به کمال است؛ برسند داشتن رضایت شغلی است که ریشه‌ی این رضایت از درون خود معلمان سرچشمه می‌گیرد و دائماً عملکرد خود را مورد قضاوت قرار می‌دهند، همان وجدان کاری می‌باشد. بر پایه‌ی وجدان کاری نه تنها در شغل معلمی بلکه در تمام شغل ها می‌توان با رضایت کامل از خود به یک آرامش درونی پایدار رسید.

• عوامل تقویت و تضعیف کننده وجدان کاری در معلمان

سازمان‌های مختلف در جهت افزایش وجدان کاری، بهبود عملکرد، تعهد کاری، رضایت شغلی و افزایش انگیزه شغلی و همچنین مبارزه با عواملی که این موارد را کاهش می‌دهند

منظور از وجدان کاری، رضایت قلبی، تعهد و التزام عملی نسبت به وظایفی است که قرار است انسان آن‌ها را به انجام برساند؛ به گونه‌ای که اگر بازرس و ناظری نیز بر فعالیت او نظاره‌گر نباشد باز هم در انجام وظیفه خود کوتاهی نکند. از آنجایی که شغل معلمی از اهمیت ویژه‌ای در شکل گیری شخصیت دانش‌آموزان موثر است، وجدان کاری معلمان نقش بسزایی در موفقیت شغلی و دستیابی به اهداف آموزش و پرورش دارد.

علم، تعهد و وجدان کاری در کنار تخصص‌های معلم، جامعه را در مسیر پیشرفت قرار می‌دهد و به تعالی می‌رساند. از آن جایی که شغل معلمی رسالتی پیامبرگونه است و جایگاهی هم ردیف انبیای الهی دارند، وظیفه‌ی مهم و خطیر تعلیم و تربیت را به دوش می‌کشند به همین دلیل باید ویژگی‌های بارز و مهمی نسبت به سایرین داشته باشند و گزینش معلمان باید بر راستای وظیفه‌ی حساس آنان تنظیم و تعریف شود. معیارهایی که در زیر به آن‌ها اشاره خواهد شد نمونه‌ای از رفتارهای بارز افرادی است که دارای وجدان کاری قوی می‌باشند.

- بر انگیزه‌ها و ارزش‌های درونی متکی‌اند.
- به نظارت‌های درونی مقید هستند.
- دارای چشم‌اندازهای تحلیلی وسیعی هستند.
- برای دستیابی به سود بلند مدت، که صرفاً به مادیات محدود نباشد، تلاش می‌نماید.
- بر منافع کلان سازمانی تأکید دارند.
- در برابر غیر خود، کاملاً احساس مسئولیت می‌نمایند.
- به موضوع گذر زمان کاملاً توجه دارند و حساسیت ویژه‌ای به این موضوع از خود نشان می‌دهند.
- نسبت به تأمین منافع دیگران، آیندگان و اجتماع حساس هستند.
- آموزه‌های دینی و اخلاقی، رکن اصلی اعمال و رفتار آن‌ها را تشکیل می‌دهد.

بنابراین از معلمان عزیز انتظار می‌رود با توجه بر وجدان کاری خود در تمام زمینه‌های حرفه‌ی خود پیشرفت کرده تا بتوان جامعه‌ای که مورد انتظار است به وقوع بپیوندد؛ زیرا معلمی از جمله شغل‌هایی است که آثار آن در بلندمدت قابل مشاهده است، با این تفاوت که پیامدش بر تمام افراد جامعه، پیشرفت و موفقیت کشور و حتی جهان اثرگذار است.

• اثرات مثبت وجدان کاری

هریک از ما در خصوص کارهایی که انجام می‌دهیم از لحاظ درونی کار خود را قضاوت می‌کنیم و این قضاوت‌ها تأثیرات بسیاری بر نحوه زندگی، اعمال و رفتار ما می‌گذارد که این تأثیرات در دو بعد مثبت و منفی قابل بررسی می‌باشد. وجدان کاری، انسان را وادار می‌سازد تا همواره برای تحقق آرمان‌های زیر تلاش کند:

- کار همواره باید بدون عیب و نقص و در نهایت دقت و صداقت انجام پذیرد.
- کار باید تا سرحد امکان به نتیجه‌های منطقی و تعریف شده منتهی گردد.
- کار باید به موقع و در زمان مناسب و لازم آن انجام گیرد.

تصویرگر: معصومه نعمتی

کارشناسی آموزش ابتدایی

پراتیهوری

کارشناسی آموزش ابتدایی

و باعث افسرگی شغلی، ترک کار و اخراج کارکنان می‌شود از شیوه‌های متفاوتی استفاده می‌کنند. بنابراین یکی از مهم‌ترین اولویت‌های هر سازمان باید توجه به عوامل اثرگذار بر وجدان کاری کارکنان باشد.

از جمله عوامل اثرگذار بر وجدان کاری عوامل فرهنگی - اجتماعی، عوامل فردی و شخصیتی و عوامل خانوادگی و تربیتی می‌باشد. کودکان پس از آن که در بستر خانواده رشد کردند و ارزش‌های درونی آن‌ها به خوبی شکل گرفت ادامه‌ی تربیت آنها در جامعه‌ای دیگر صورت می‌گیرد که معلمان نقش عمده‌ای در محیط مدرسه ایفا می‌کنند و شکل‌گیری شخصیت مناسب در دانش‌آموزان وابسته به میزان وجدان کاری معلمان دارد که در انجام وظایف خود و دستیابی به اهداف به دادگاه درونی خود توجه کنند و به همین دلیل باید در خصوص افزایش وجدان کاری آنان از عوامل تقویت کننده‌ای استفاده کرد که رضایت شغلی را به همراه داشته باشد. از جمله عوامل تقویت کننده‌ای که می‌تواند باعث ایجاد انگیزه شغلی و نظم و انضباط در معلمان شود، می‌توان به حقوق و مزایای مناسب و امکانات تدریس بهتر و ایجاد جوی معنوی و افزایش ایمان و توجه به ارضای نیاز کارکنان اشاره کرد.

انتساب معلمان شایسته بر اساس تخصص، تجربه، وجدان کاری و علاقه نقش مهمی در ایجاد محیط و شرایطی که در آن معلمان بایکدیگر در ارتباطاند دارد و براساس وجدان کاری به تلاش و کوشش مضاعف می‌پردازند؛ زیرا وجود معلمانی که انگیزه و علاقه‌ی کافی به شغل معلمی ندارند در تخریب روحیه‌ی دیگران و ایجاد جوی نامناسب اثرگذار می‌باشد. خصوصیات شخصیتی افراد با یکدیگر بسیار متفاوت می‌باشد اما باتوجه به این که بسیاری از ارزش‌های درونی از محیطی که فرد در آن قرار می‌گیرد در حال شکل‌گیری است باید به محیط و شرایطی که معلمان در آن قرار می‌گیرند توجه نمود. همچنین باید به نقش و جایگاه معلم و ارزش‌های معنوی که در جامعه در خصوص

منبع:

مقاله‌ی وجدان کاری و تاثیر آن در حرفه معلمی از: زهرا فتوحی دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، سلمان فارسی، شیراز
نیما بهادری دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، شهید رجایی، شیراز
نجمه مهدوی خرمی دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، سلمان فارسی، شیراز



روان شناسی تربیتی در آموزش و پرورش



روان من در دست توست ای معلم، من را تربیت کن ... شاید با شنیدن اسم روان شناسی تربیتی، دانشجویان علوم تربیتی و آموزش ابتدایی یاد کتاب ۳۰۰ صفحه‌ی دکتر سیف و نظریه‌های مختلف یادگیری مثل پیازه و... بیوفتند و دلشان نخواهد به آن روزها برگردند.

اما این بار می‌خواهیم روان شناسی تربیتی را از نگاه واقع گرایانه و ملموس بررسی کنیم :

در ابتدای بحث باید تعریفی از روان شناسی ارائه بدهیم زیرا بعضا به این دلیل که تعریف درستی از واژه نداریم، درک درستی نیز نمی‌توانیم از آن موضوع داشته باشیم ...روانشناسی را به عنوان یک علم معرفی می‌کنیم. روانشناسی تاریخچه طولانی دارد: به عنوان مثال در اوایل در روانشناسی مطالعه‌ی روح مدنظر بود به عبارت دیگر به دنبال این بودند که چون انسان دو بعد دارد یک بعد جسمانی و یک بعد غیر جسمانی ، می‌خواستند آن بعد غیر جسمانی یا روح انسان را بشناسند و مورد مطالعه قرار بدهند و تا مدت‌ها و سال های زیادی، روانشناسی با فلسفه یک علم بودند.

ما رویکردهای مختلفی در روانشناسی داریم، وقتی شما می‌خواهید یک انسان را مطالعه کنید، اگر از یک پزشک بپرسید انسان چیست؟ معمولا به این نکته اشاره می‌کند که انسان یک موجودی است که یک سیستم‌هایی در بدنش دارد، استخوان دارد، گوشت دارد، پوست دارد، سیستم عصبی دارد، سیستم عضلانی دارد و قلب دارد. به این قبیل مواردی اشاره میکند.

اگر از یک فیلسوف بپرسید انسان کیست، می‌گوید انسان یک موجودی است که صحبت می‌کند، می‌خندد، و به دنبال پاسخ دادن به آن سوالات اساسی است که در زندگی‌اش وجود دارند.

اگر از یک اقتصاددان بپرسید انسان کیست، به اهداف اقتصادی انسان اشاره می‌کند. می‌بینیم که انسان یک موجود هست ولی از جنبه‌ها و وجهه‌های مختلف و گوناگون مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

حال اگر از روانشناس بپرسیم انسان کیست؟

فاطمه مقصودی

کارشناسی آموزش ابتدایی



می‌تواند از جنبه‌های مختلفی به این سوال پاسخ بدهد که یکی از آنها دیدگاه‌ها یا رویکردهای مختلف روان شناسی است، که انسان چند بعدی را توصیف می‌کند.

پنج دیدگاه عمده یا رویکرد عمده درروانشناسی وجود دارد که این رویکردها عبارتند از:

۱- رویکرد روانکاوی: انسان یک سری امیال ناپذیرفتنی دارد که بر رفتار اثر می‌گذارد.

۲- رویکرد رفتاری: تاکید بر عوامل محیطی در شکل گیری رفتار است.

۳- رویکرد شناختی: در رویکرد شناختی، رفتارها برحسب فرایندهای شناختی تفسیر و تعبیر می‌شوند.

فرایندهای شناختی مثل فکرکردن، تخیل، توجه، ادراک و حتی یادگیری زبان حل مساله، همه رویکردهای شناختی هستند.

۴- رویکرد پدیدار شناختی: منحصرأ به تجربه‌های شخص توجه می‌شود.

۵- رویکرد زیست شناختی: در رویکرد زیستی، نگاه به انسان بر اساس فعالیت‌های زیستی و عصبی انسان است.

وقتی می‌گوییم روانشناسی چیست و چه شاخه‌هایی دارد ممکن است تصویر کلیشه‌ای از روانشناسی به ذهن ما برسد و روانشناس را فردی بدانیم که در اتاق نشسته و یک مراجعه کننده دارد و مراجعه کننده از مشکلات خود

صحبت می‌کند و مشاور و روانشناس هم دارای دستورالعمل‌هایی هست که به رفع و درمان مشکلات مراجعه کننده می‌پردازد.

این رایج‌ترین دیدگاه نسبت به روانشناسی هست. ولی روانشناسی فقط این نیست که یک فردی به درمان اختلالات بپردازد و فقط در یک مکان خاصی، در اتاق در بسته به روانشناسی بپردازد بلکه روانشناسی بسیار وسیع‌تر از این حرف‌هاست. حال بریم سراغ موضوع خودمون یعنی روان شناسی تربیتی!

روان شناسی تربیتی زیر مجموعه روان شناسی کاربردی است. در اصل از بهم پیوستن دو تا رودخانه تعلیم و تربیت و روانشناسی به وجود آمده است.

خیلی از آموزه‌هایی که در روانشناسی وجود دارد می‌تواند به معلمان و آموزش و پرورش کمک کند تا آنها آموزش‌شان را بهتر ارائه بدهند. بنابراین از ترکیب دو رشته آموزش و پرورش و روانشناسی، روانشناسی تربیتی به وجود آمده است.

روانشناسی تربیتی تعاریف متعددی دارد. بعضی‌ها آن را کاربرد روانشناسی در آموزش و پرورش می‌دانند و بعضی‌ها به عنوان یک علم مستقل تعریف می‌کنند.

ولی دوتا موضوع اولویت بیشتری دارند که بیشتر از همه به آنها پرداخته شده است:

*یادگیری از جانب یادگیرنده و آموزش از جانب معلم موضوع مهمی است که روان شناسی تربیتی روی آن تمرکز کرده است .

اهداف روانشناسی تربیتی :

۱- چگونه دانش‌آموزانی بپروریم که یادگیرنده موفق و ماهرى باشند.

۲- چگونه معلمانی بپروریم که اثر بخش و موفق باشد.

در واقع ما در روانشناسی تربیتی به دنبال دو هدف هستیم.

اول اینکه می‌خواهیم بدانیم ما چطور معلم بهتر یا آموزش دهنده بهتری باشیم و به یادگیرندگان ما هم می‌خواهد کمک کند که یادگیری بهتری باشند.

رابطه بین آموزش پرورش و روانشناسی:

«معلمی که می‌خواهد ریاضی را به رضا بیاموزد باید هم ریاضی را بشناسد و هم رضا را»

- شناخت دانش‌آموز
- شناخت توانمندی‌ها و استعدادها
- کنترل محیط یادگیری
- شکل دادن تجارب یادگیری

خیلی از اوقات ما اون رشته‌ای که می‌خواهیم را تدریس کنیم ممکنه اطلاعات زیادی در مورد اون رشته داشته باشیم.

یک معلم شیمی ممکن است شیمیدان خیلی خوبی باشد. با نظریه‌ها و اصول و قوانینی که در رشته شیمی وجود دارد آشنا باشد ولی اگر این معلم طریقه انتقال دادن این مطالب و آموزش دادن آنها را بلد نباشد نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که کارش را به درستی انجام بدهد.

خیلی از ماها با معلمانی و یا اساتیدی مواجه شدیم که در رشته خودشون علم خیلی زیادی داشتند ولی معلم و استاد خوبی نبودند. چون به خوبی نمی‌توانستند مطالب مدنظرشان را به دانش‌آموز یا دانشجو منتقل کنند.

پس صرف داشتن علم در یک رشته نمی‌تواند به ما کمک کند که ما معلم خوبی باشیم. خب در روانشناسی تربیتی ما به دنبال

شناخت دانش‌آموزان هستیم.

در روان شناسی تربیتی می‌خواهیم توانمندی‌ها و استعدادهای دانش‌آموزان را بشناسیم و در کنار آن سبک های یادگیری مختلف و تفاوت‌های فردی که دانش‌آموزان دارند را شناسایی کنیم.

حال چه مباحثی در روانشناسی تربیتی وجود دارد.

مباحث عمده‌ای که در روانشناسی تربیتی وجود دارد ۳ مولفه است:

- معلم
- دانش‌آموز
- یادگیری

در قسمت دانش‌آموز یا یادگیرنده رشد و تحول، هوش و انگیزش، سبک‌های یادگیری را داریم.

همچنین روانشناسی تربیتی به معلمان می‌تواند کمک کند تا طراحی آموزشی مناسبی را داشته باشند. طراحی آموزشی مناسب به این معناست که ما بتوانیم برنامه‌ریزی درستی برای کلاس‌مون داشته باشیم. علاوه بر آن به مدیریت کلاس بهتر کمک می‌کند.

در قسمت فرایند یادگیری ما با نظریات مختلف یادگیری آشنا می‌شویم. وقتی ما از بیرون به یادگیری نگاه می‌کنیم یادگیری و آموزش دادن یک پدیده‌ی ساده جلوه می‌کند. مثل همه مفاهیمی که اول انسان به آنها می‌پردازد می‌بیند خیلی ساده هستند و هیچ پیچیدگی در آنها نمی‌بیند وقتی به آنها با نگاه واقع گرایانه

و عملی به آن بپردازیم می‌بینیم چقدر پدیده‌هایی به ظاهر ساده می‌توانند پیچیده باشد ... و معلم که هم با یادگیری سر و کار دارد و هم با شناخت یادگیرنده ! اینها مباحث اساسی روانشناسی تربیتی یا روانشناسی پرورشی را تشکیل می‌دهند.

حال از بین این مولفه‌ها به معلم می‌پردازیم. یکی از سوالاتی که روانشناسی تربیتی، می‌تونه به اونها پاسخ بده این هست: که معلم خوب کیست؟

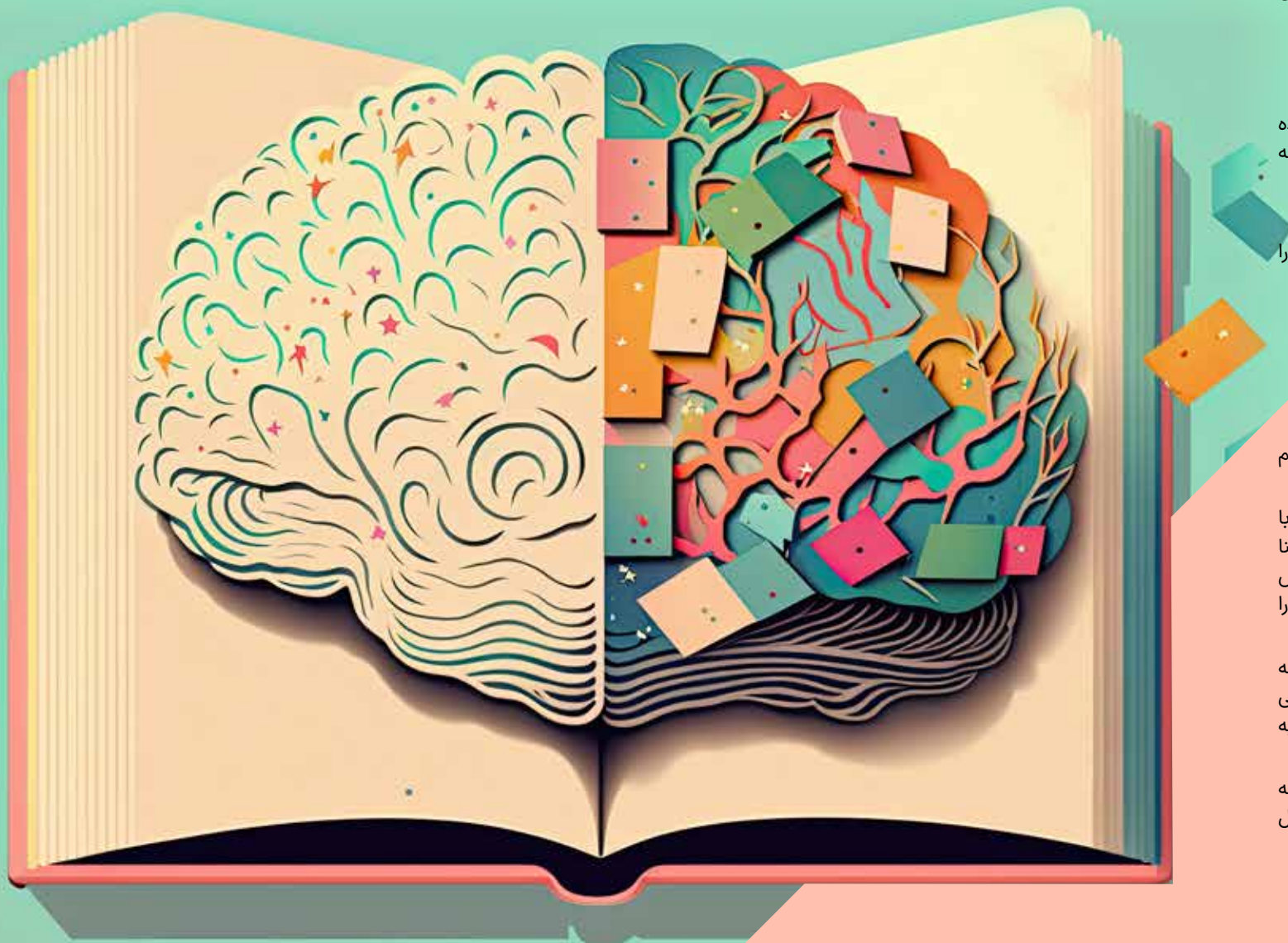
خیلی از تحقیقات در گذشته، حول و حوش همین موضوع بودند که معلم خوب کی هست؟ چه کسی می‌تواند بهترین معلم باشد؟ یا اگر ما می‌خواهیم معلم باشیم، باید چه نکاتی را رعایت کنیم و یا چه روش‌ها و راهکارها و راهبردهایی را در کارمان داشته باشیم تا معلم خوبی باشیم .

این سوال، خیلی سوال ساده‌ای نیست و به راحتی نمی‌توان به آن پاسخ داد و ما می‌خواهیم در این مورد صحبت کنیم.

به راستی معلم خوب کیست؟

معلمی که در فضای مجازی مشاهده می‌کنیم، معلم بلاگرهای معروف فقط به دنبال روش‌های تدریس متنوع و یا برخورد شوخ طبعی با دانش‌آموزان خود هستند.

یا بعضی از معلمان فقط به دنبال این هستند کتاب را تمام کنند و معمولاً از بودجه بندی مرسوم هم جلو می‌زنند و از این اتفاق خوشحال هستند که وقت اضافه میاد و می‌توانند به مرور مباحث بپردازند و به قول معروف این معلمان عاشق کتاب درسی



هستند و خارج از آن اگر صحبتی کنند انگار آسمان به زمین آمده است.

بعضی از معلمان هم هستند که پروفایلشان را که می‌بینی نوشته‌اند معلمی عشق است اما فقط در پروفایل دیده می‌شود و ساعت ۸ صبح می‌روند و تا ساعت ۱۲ نذر و نیاز می‌کنند تا تمام بشود آنها معلمی را به مثابه شغل می‌پندارند و اگر حقوق اضافه شود تا یک هفته با تمام کادر مدرسه و دانش‌آموز خوب هستند اما اگر حقوق را یک ماه دیرتر بریزند یا کم کنند دیگر نمی‌توان او را کنترل کرد و تمام وزرا و کادر دخیل در بحث آموزش و پرورش را به خاک و خون می‌کشند.

شما یک لحظه شهید بهشتی و شهید مطهری و شهید رجایی را تصور کنید.

آنها شغل اولشان معلم بود و بعد نخست وزیر و رییس جمهور و... شدند. یعنی معلمی در آن روزها آنقدر مهم و حائز اهمیت بوده است. اما الان تعریف ما از معلمی تعریف درستی نیست.

یک معلم در کنار آنکه به علم به روش فکر می‌کند و روز به روز مهارت خود را بالا می‌برد، علاوه بر آن برای ایجاد انگیزه برای محتواهای پرچم کتاب درسی از ابزار و رسانه‌های مختلفی استفاده می‌کند و حتی مدیریت اقتصادی نیز بلد است و می‌داند باید حقوق خود را صرف چه کارهایی بکند؛ باید بداند تربیت انسان های به دست اوست که امانت الهی هستند و کسانی هستند که آینده کشور به دست آنها رقم می‌خورد. اگر معلم بداند رشد دانش‌آموزان از نظر عقلی، شخصیتی چقدر می‌تواند در سلامت روان جامعه تاثیرگذار باشد تمام فکرش می‌شود دانش‌آموز!

علاوه بر آن باید اقتدار معلمی را نیز در نظر گرفت که ربطی به مدیریت کلاس دارد که خداروشکر انواع مدیریت کلاس را می‌توان در کلاس‌ها مشاهده کرد.

همچنین یک معلم خوب دانش‌آموز را فقط نمی‌بیند بلکه کمی عقب‌تر می‌رود و به فکر اصلاح و دگرگونی فکر و عقاید اولیا نیز هست. معلم چند بعدی این ویژگی‌ها را دارد.

مربی مانند طبیب است، باید دردها و داروها و روحیه‌ها را بشناسد؛ چون هر دارویی در هر روحیه‌ای مؤثر نیست .و خداوند هستی و مربی انسان، انسان‌هایی را تربیت می‌کند « وَ يُدْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ يَنْظَرُهُمْ تَطْهِيراً » پلیدی‌ها را از آنها می‌زداید و به وسیله‌ی وُحی، آنها را با قانون‌ها و دردها و داروها آشنا می‌سازد و با نورانیت و پاکی و آگاهی، آنها را بر روحیه‌ها و طبیعت‌ها مسلط می‌نماید و آنها را پیشوا و مربی و آموزگار و مرگِی و مطهرِ خلق می‌سازد؛ « وَ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَرْكَبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ».

و این‌ها هستند که در میان خلق او به تربیت خلق و شکوفا کردن استعداد و تتمیم اخلاق کریمه همت گماشته‌اندکه: «يُعِثُّ لَاتَمِّمَ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ».

کسانی می‌توانند مربی انسان‌ها باشند که به دردها و درمان‌ها و به وضع روحیه‌ها آگاهی داشته باشند.

آگاهی از دردها و درمان‌ها را باید از وحی از کتاب و سنت بدست آورد؛ چون اوست که از استعدادهای انسان و قلمرو استعدادهای او و از قانون‌های حاکم بر این دو آگاه است و درگیری‌ها و دردها و درمان‌ها و راه حل‌ها را می‌شناسد.

بخشی از کتاب مسئولیت_ سازندگی

عین صاد_

اختلال رفتاری



سما مصمدی

کارشناسی آموزش علم تجربی

راهنمایی می‌کنند، ریسک درگیری، رفتارهای افراطی و رقابت‌های مخاطره‌آمیز بر سر توانمندی‌ها در این دوران را کاهش می‌دهند. نوجوانانی که تحت حمایت و پشتیبانی والدینشان هستند کمتر درگیر مشکلات جدی می‌شوند. همچنین انتظارات واضح والدین از فرزندشان، کنترل مثبت و غیرمستقیمی بر رفتار نوجوانان است. **پرستار در منزل** برنامه ریزی خوبی از آن انجام می‌دهد.

● چه عواملی باعث اختلال رفتاری در نوجوانان می‌شود؟

کودکان گهگاه دچار درگیری‌های فیزیکی، قلدری، آزار و خشونت در فضای مجازی، خانه و مدرسه می‌شوند. در دوران نوجوانی شدت و فراوانی تعاملات خشونت‌آمیز افزایش پیدا می‌کند و نوجوانان بیشتر درگیر خشونت‌هایی در خانه و خارج از مدرسه می‌شوند. عوامل زیادی در افزایش خطر خشونت و اختلال رفتاری در نوجوان نقش دارند، از جمله:

- مسائل و مشکلات جسمی
- عضویت در گروه‌های خاص
- مصرف مواد مخدر
- فقر
- الگوپردازی
- تربیت غلط
- محیط پرتنش در خانواده
- طلاق والدین
- اختلالات روانی

شواهد کمی وجود دارد که نشان دهد بین خشونت و نقص ژنتیکی یا ناهنجاری‌های کروموزومی ارتباطی وجود داشته باشد.

نوجوانی زمانی برای رشد و استقلال است. نوجوانان با زیر سؤال بردن یا به چالش کشیدن قوانین والدین، استقلال خود را به نمایش می‌گذارند. گاهی این نقض قوانین منجر به رفتارهای نادرستی می‌شود که نیاز به مداخله دارد. اما چه عواملی باعث اختلال رفتاری در نوجوانان می‌شود و چگونه می‌توان از آن پیشگیری کرد؟

● اختلال رفتاری در نوجوانان

والدین باید بتوانند رفتارهای معمول و مورد انتظار دوران نوجوانی را از رفتارهای مخرب تشخیص داده و به‌موقع برای جلوگیری از ادامه‌دار شدن آن‌ها دخالت کنند. شدت و میزان تخلفات به منزله چراغ راهنمایی برای والدین است. به‌عنوان مثال مشروب‌خواری، درگیر شدن، فرار از مدرسه و یا دزدی که به‌صورت مکرر اتفاق می‌افتد، نشانه‌های اختلال رفتاری است. اختلال رفتاری باعث اختلال در عملکرد می‌شود و به‌موجب آن ممکن است رفتارهای دیگری اعم از فرار از خانه، آسیب جدی به دیگران و استفاده از اسلحه شکل بگیرد. به دلیل این که نوجوانان نسبت به دوران کودکی بسیار مستقل عمل می‌کنند، اغلب خارج از کنترل والدین هستند. در این شرایط رفتار نوجوانان تحت‌تأثیر میزان بلوغ و پختگی آنان است. والدینی که به‌جای کنترل رفتار فرزندشان او را

نوجوانان

● اختلالات روانی خاص

بسیاری از نوجوانانی که اختلال رفتاری دارند، در دوران کودکی از اختلال کمبود توجه یا بیش‌فعالی رنج می‌بردند که به‌صورت درمان نشده باقی‌مانده است. این اختلال که غالباً در دوران کودکی ناشناخته باقی می‌ماند در صورت تشخیص قابل درمان با دارو و رفتاردرمانی است. همچنین این مسئله خطر گرایش به مصرف مواد در دوران نوجوانی را افزایش می‌دهد. اختلال سلوک و نافرمانی در دوران کودکی نیز می‌تواند از عوامل خطر ساز برای بروز اختلال رفتاری در دوران نوجوانی باشد. لازم است جلسات روان‌درمانی با روان‌پزشک و حمایت والدین برای رفع کامل این اختلالات در کودکی انجام شود.

● پیشگیری از اختلال رفتاری در نوجوانان

دانستن این که چه عواملی باعث اختلال رفتاری در نوجوانان می‌شود، تا حد زیادی می‌تواند از بروز آن جلوگیری کند. عامل مهم دیگری که ممکن است منجر به خشونت رفتاری فرد در دوران نوجوانی شود، شیوه زندگی او در دوران کودکی است. در اوایل کودکی با نظم بخشیدن به رفتار کودک می‌توان از خشونت وی در

دوران نوجوانی جلوگیری کرد. محدود کردن کودک برای جلوگیری از قرارگرفتن در معرض خشونت‌های رسانه‌ای و بازی‌های ویدئویی کمک‌کننده است. این محدودیت‌ها باید با شیوه مناسب و عاری از خشونت اعمال شود تا مؤثر و مثبت باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد قرارگرفتن کودکان در معرض خشونت، حساسیت آن‌ها را به خشونت کاهش می‌دهد و باعث می‌شود خشونت را به‌عنوان بخشی از زندگی بپذیرند. لازم است کودکان در محیط مدرسه امنیت داشته باشند و به آن‌ها آموزش داده شود تا حد امکان از محیط‌ها و موقعیت‌های خطرناک دور شوند. همچنین سبک فرزندپروری که فرزندان در تعیین قوانین و انتظارات خانواده مشارکت دارند، باعث گسترش رفتارهای بالغانه در دوران حساس نوجوانی می‌شود.

● اختلالات رفتاری تخریبی یا DBD چیست؟

کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری تخریبی یا DBD با دیگران همکاری نمی‌کنند، مدام از دستوراتی که به آنها داده می‌شود سرپیچی می‌کنند و به طور کل رفتارهای تخریبی از خود بروز می‌دهند به نحوی که زندگی و آسایش خود و خانواده را کاملاً مختل می‌کنند. کودکان مبتلا به این اختلال به هیچ وجه قابل مهار نیستند و در مورد هر حرکت یا رفتاری واکنش نشان می‌دهند هر حرف و کاری که مطابق میل این کودکان نباشد آنها را دگرگون می‌کند و زمینه ی لجبازی را برای آنها فراهم می‌کند. تربیت و فرزندپروری بسیار مشکل است و همواره با مصائب و مشکلات زیادی همراه است اما نکته‌ای که در مقابله با این بیماری وجود دارد این است که والدین بدون کمک نمی‌توانند این کودکان را تربیت کنند و نیاز به یک درمان گر و جلسات مداوم درمانی دارند.

● انواع بیماری اختلالات رفتاری تخریبی یا DBD کدامند؟

بیماری اختلالات رفتاری تخریبی یا DBD مانند بسیاری از بیماری‌ها دارای دسته بندی‌هایی می‌باشد؛ به طور کل اختلال DBD به دو گروه تقسیم می‌شود. آن چیزی که سبب می‌شود بیماری در دو گروه قرار گیرد علائم متفاوتی است که این کودکان از خود بروز می‌دهند. گروه اول مربوط می‌شود به کودکانی که دارای اختلال نافرمانی یا اُ دی دی هستند. دسته ی دوم کودکان مبتلا به اختلال سی دی می‌باشند.

● اختلال ODD

کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری تخریبی یا DBD که در گروه اُ دی دی قرار دارند به هیچ عنوان دستور پذیر نیستند، امکان ندارد که کاری از کودک بخواهید و او آن کار را انجام دهند. کودکان مبتلا به

اُ دی دی بسیار قانون گریز هستند و هیچ قانونی نمی‌توانند برای آنها وضع کرد. هر کاری می‌کنند که موجب آزار و اذیت دیگران شوند و هر رفتار مخالف آمیزی آنها را تحریک‌تر می‌کند. این کودکان دیگران را مورد تمسخر و سرزنش قرار می‌دهند، همیشه خشمگین و عصبانی هستند، کوچکترین مسئله‌ای را کینه می‌کنند و سعی می‌کنند به هر طریقی که می‌شود انتقام بگیرند. البته تمام این خصوصیات ممکن است در هر فردی به وجود آید اما کودکان مبتلا به اختلال اُ دی دی تمام این رفتارها را در دوز بسیار بالایی دارند و به هیچ عنوان قابل کنترل نیستند.

● اختلال CD

کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری تخریبی یا DBD که در گروه اختلال سی دی قرار می‌گیرند معنی احترام را متوجه نمی‌شوند. برایشان فرقی نمی‌کند فردی که در مقابل آن‌ها قرار دارد بزرگتر از آن‌ها است یا کوچکتر، نسبت به آن فرد عصبانی هستند و برای افراد بزرگتر از خود قلدری می‌کنند آنها را می‌زنند، اذیت می‌کنند و از این کار لذت می‌برند. هیچ حس عذاب وجدانی در این کودکان وجود ندارد تا می‌توانند خرابکاری می‌کنند. به عنوان مثال تلویزیون و مبلمان فردی که برای مهمانی به منزل وی رفته- اند را تخریب می‌کنند. دزدی می‌کنند، دروغ می‌گویند، هیچ رفتار خوشایند و خوبی در آنها وجود ندارد و دوست دارند به همه آسیب بزنند و هیچ مسئولیتی را نمی‌توانید به آن‌ها واگذار کنید.

● علل بروز بیماری اختلالات رفتاری تخریبی یا DBD

یکی از مهم‌ترین دلایل بروز بیماری اختلالات رفتاری تخریبی یا DBD ارثی بودن آن می‌باشد. در واقع میتوان ریشه این اختلالات را در خانواده‌ی کودک جستجو کرد. والدین این بچه‌ها امکان دارد دارای مشکلات روانی از قبیل اسکیزوفرنی، اختلال دوقطبی و... باشند یا دچار افسردگی و اعتیاد به مواد مخدر شده باشند. والدینی که خود در کودکی با بزرگسالی دچار این مشکل بودند آن را به کودکان خود از طریق ژنتیکی انتقال می‌دهند. بچه هایی که از کودکی به آنها توجهی نشان داده نمی‌شد برای بروز بیماری DBD بسیار مستعدتر هستند. گاهی اوقات برخی کودکان مورد آزار و اذیت جنسی، روانی و فیزیکی قرار می‌گیرند بدین ترتیب زمینه برای بروز این اختلال برای آنها فراهم می‌شود.

● علل محیطی و فیزیکی که سبب بروز اختلالات رفتاری تخریبی یا DBD می‌شوند:

اختلالات رفتاری تخریبی یا DBD همیشه به علت های ژنتیکی به وجود نمی‌آید، در بسیاری از موارد شرایط محیطی، فیزیکی و

جسمی کودک زمینه را برای بروز بیماری فراهم می‌کند.

محیط: ممکن است بچه های که در ابتدا به دنیا می‌آیند به طور کامل سالم باشند اما بعد از بزرگ شدن به علت قرارگیری در محیط نامناسب مبتلا به این بیماری روانی شوند. در زمان شیرخوارگی نوزاد از جانب مادر طرد شود و به پرورشگاه انتقال داده باشند یا افراد دیگری سرپرستی کودک را به عهده گرفته باشد. گاهی فقر شدید در کودکی موجب بروز این رفتارهای نابهنجار می‌شود.

فیزیکی و جسمی: نوزادانی که به دلیل وراثتی یا تغذیه نامناسب دچار کمبود وزن شدید هستند یا سیستم عصبی آنها دچار مشکل است، کودکانی که پیش فعال هستند و والدین آنها نسبت به این امر بی‌توجهی می‌کنند امکان دارد که همزمان به اختلال سلوک یا سی دی نیز مبتلا شوند. بیماری DBD در حدود نیمی از نوجوانان مبتلا به بیش فعالی دیده می‌شود.

● برخی عوامل خطرناک که منجر به اختلالات رفتاری تخریبی یا DBD عبارتند از:

جنسیت: پسران بیشتر از دختران دچار اختلال رفتاری می‌شوند اما هنوز تحقیقات گسترده‌ای در مورد این که چرا پسران بیشتر دچار این مشکل می‌شوند ارائه نشده است.

دوران بارداری و زایمان: دوران بارداری و زایمان مشکل می‌تواند منجر به اختلال رفتاری در کودک شود.

اخلاق: کودکانی که از همان ابتدا بد اخلاق و عصبانی هستند بیشتر مستعد به اختلال رفتاری در سنین بالاتر هستند.

سبک زندگی خانوادگی: کودکانی که در خانواده‌های نابسامان یا رفتارهای نابهنجار زندگی می‌کنند با احتمال بیشتر به اختلال DBD مبتلا می‌شوند.

یادگیری ضعیف: کودکانی که در مدرسه برای یادگیری دچار مشکل می‌شوند.

عقب مانده ذهنی: کودکانی که در طیف‌های گوناگون عقب ماندگی قرار دارند نیز مستعد اختلال رفتاری هستند.

● کاردرمانی برای رفع اختلالات رفتاری تخریبی یا DBD چگونه است؟

به منظور رفع اختلالات رفتاری تخریبی یا DBD کودکان، در مراکز درمانی تمرینات و بازی‌هایی انجام می‌گیرد و اهدافی دنبال می‌شود برخی از این اهداف عبارتند از:

خود کنترلی: این آیتم و بازی‌های مربوط به آن تلاش می‌کند تا کودک بتواند احساسات، رفتار و فعالیت‌های خود را کنترل کند.

واکنش‌های حسی: همانطور که گفته شد کودکان مبتلا به اختلال DBD نسبت به محرک‌های محیطی بسیار حساس هستند، کاردرمانی کمک می‌کند تا کودکان بتوانند احساسات خود را کنترل کنند.

درک و بیان زبانی: تمرین برای درک بهتر گفتار دیگران و افزایش توانایی بیانی

تقویت ذهنی: تمرینات افزایش درک نسبت به موقعیت‌های مختلف.

کنترل هیجانات: درمانگر تلاش می‌کند تا کودک را برای موقعیت‌های مختلف آموزش دهد تا بتواند هیجانات خود را کنترل کند.

افزایش مهارت‌های اجتماعی: تقویت تعامل اجتماعی با دیگران به منظور دوستیابی.

برنامه ریزی: برای رسیدن به اهداف بالاتر و مهم‌تر درمانگر بازی‌ها و تمرینات را طبقه بندی و مرحله‌ای می‌کند.

● نقش والدین در بهبود اختلال DBD:

والدین در رفتار با این کودکان در ابتدا باید صبر داشته باشند و سعی کنند با افزایش و تقویت برخی از مهارت های کودک به بهبود رفتاری فرزند خود کمک کنند که شامل موارد ذیل می‌شود:

تقویت مهارت‌های اجتماعی: والدین باید آموزش‌های درمانگر مبتنی بر تقویت روابط اجتماعی کودک در منزل را ادامه دهند سعی کنند که مهارت‌های بازی کردن،کنترل احساسات و خشم را در فرزند خود ارتقا دهند.

آموزش مهارت‌های معادل: منظور از مهارت‌های معادل رفتارهایی است که کودک در مواجه با موقعیت‌های مختلف از خود بروز می‌دهند. به عنوان مثال می‌توانید به کودک آموزش دهید که در زمان‌هایی که خشمگین می‌شود می‌تواند از موقعیت دور شود بدین ترتیب به خشم خود غلبه کند.

شناسایی رفتارهای نابهنجار: در صورت اینکه در تربیت کودک خود با چالش مواجه شدید حتما از افراد متخصص کمک بگیرید و مشکل فرزند خود را عادی ندانید شناخت زود هنگام بیماری، به بهبود آن در مدت زمان کوتاه‌تری کمک می‌کند.

انتظارات واقع بینانه: کودک شما دچار اختلال رفتاری است، از این رو انتظار نا به جا از او نداشته باشید و فرصت هایی برای موفقیت وی فراهم کنید.

تماس چشمی: برای تفهیم گفتار خود با کودک بشینید و فرزندتان را به خود نزدیک کنید می‌توانید دست‌های او را بگیرید به چشم‌هایش نگاه کنید و با او صحبت کنید تا شما را بهتر درک کند.



پول چیست؟



نسرین سعادت
کارشناسی آموزش ابتدایی

هر چیزی که مورد قبول عموم باشد، دوام داشته باشد، بتوان آن را به قسمت‌های کوچک‌تر تبدیل کرد، دارای ارزش باثبات باشد و از همه مهم‌تر عرضه یا تولید آن محدود باشد می‌تواند نقش پول را ایفا کند. پول چیزی است که می‌توان ارزش را با آن حفظ کرد.

تعریف اقتصادی پول نشان می‌دهد که هر چیزی می‌تواند پول باشد! در گذشته کالاهایی مثل پوست حیوانات، سوزن، سیگار و فلزات گران‌بها مثل طلا و نقره به عنوان پول استفاده می‌شدند. با تشکیل دولت‌ها، پول در قالب سکه، اسکناس و چک ظاهر شد. تعاریف پول خیلی ساده هستند و نکته خاصی ندارند. حداقل برای ما در این دوره کاربردی ندارند.

● پول از کجا می‌آید؟

پول توسط بانک مرکزی چاپ و عرضه می‌شود. کنترل دستگاه چاپ پول، دست بانک مرکزی است! بانک مرکزی مشخص می‌کند که چقدر پول باید چاپ شود و در اقتصاد به گردش بیفتد. بانک مرکزی یا به طور مستقیم پول چاپ می‌کند، یا به بانک‌های تجاری کمک می‌کند که پول بیشتری در اقتصاد خلق کنند.

بانک مرکزی با خرید اوراق قرضه دولت و شرکت‌ها هم می‌تواند پول چاپ کند! مثل دوره کرونا، که اکثر بانک‌های مرکزی دنیا حاضر بودند اوراق قرضه دولت و شرکت‌ها را خریداری کنند و پول جدیدی را به اقتصاد کشور تزریق کنند تا شوک اقتصادی کرونا را مدیریت کنند. پس اختیار خلق و تولید پول دست بانک مرکزی است.

زندگی ما چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی به شدت به پول وابسته است. پول به ما امنیت روانی می‌دهد، نیاز ما به استقلال را فراهم می‌کند و به احساس خوشبختی ما کمک می‌کند. پول به ما کمک می‌کند که از امکانات رفاهی، تحصیلی و درمانی مختلف به سادگی بهره بگیریم. پول مقبولیت اجتماعی را برای ما فراهم می‌کند و به ما در ایجاد روابط اجتماعی مختلف کمک می‌کند. نقش جدی پول در زندگی را اصلاً نباید دست کم گرفت و باید آن را به رسمیت شناخت.

● نقش پول در تصمیمات زندگی!

همه ما برای پول کار می‌کنیم. همه تلاش‌های زندگی ما به رفاه و سلامتی ختم می‌شود که از راه پول درآوردن و هزینه کردن به دست می‌آیند. بخشی از این درآمد توسط خود ما به وجود می‌آید و بخشی از آن را شاید دولت فراهم کند. اما در نهایت نتیجه تمام تلاش‌های اقتصادی بشر به پول ختم می‌شود. هیچ فداکاری در کار نیست، همه برای تأمین نیازهای زندگی خود یا به پول و یا به کسی که پول را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، نیاز دارند.

● پول تعیین کننده اهداف!

پول و ثروت سهم بزرگی در انتخاب اهداف ما در زندگی دارند. پیش از ورود به دانشگاه و انتخاب رشته، ما به آینده شغلی رشته توجه بیشتری داریم و سعی می‌کنیم بین علاقه و بازار کار رشته تعادلی ایجاد کنیم و رشته‌ای را انتخاب کنیم که در آینده برای ما درآمد و رفاهی به ارمغان بیاورد. وقتی کارخانه یا حتی یک کسب‌وکار کوچکی راه‌اندازی می‌کنیم، به طول دوره بازگشت سرمایه، به هزینه‌ها و درآمدهای سالانه کسب‌وکار توجه می‌کنیم.

● پول رفتار بازار و بانک‌ها را تعیین می‌کند!

برای یافتن پاسخ این سؤال که چرا بین این دوره‌ها این قدر تفاوت وجود دارد، باید اول بدانیم پول چیست و چه ویژگی‌هایی دارد. وقتی تعریف پول را متوجه شدید و ویژگی‌های آن را شناختید، متوجه خواهید شد که چرا رفتار بازار و بانک در دوره‌های مختلف زمانی این قدر متفاوت است!

بله درست است! ویژگی‌های پول، رفتار بازار و بانک‌ها را برای ما مشخص می‌کند! یعنی می‌توانیم با بررسی ویژگی‌های پول، رفتار آتی بازار و بانک‌ها را پیش‌بینی کنیم. یکی نیازهای خدماتی و کالایی ما را تأمین می‌کند و دیگری پول و اعتبار اضافی در اختیار ما قرار می‌دهد. پس رفتار بازار و بانک برای ما مهم است!

● پول چیست؟

تعریف اقتصادی پول خیلی ساده است. پول وسیله یا چیزی است که برای خرید و فروش کالا و خدمات و تسویه بدهی‌ها استفاده می‌شود.



از نهضت ملی شدن صنعت نفت تا...

بررسی و تحلیل مضامین مربوط به مسائل نفت در ادبیات داستانی ایران

امروز شده است. از زمان کشف نفت در منطقه جنوب و جنوب غربی ایران تمایل حضور قدرت‌هایی چون انگلیس و روسیه در کشور ما شدّت گرفت و سرزمین ما تبدیل به جایگاهی برای کسب منفعت و تبادل قدرت بر سر منابع عظیم نفت شد. سال‌ها حضور بیگانگان استعمارگر در جنوب کشور پیامدهایی به همراه داشته است که به بررسی تعدادی از آن‌ها خواهیم پرداخت.

تاثیر مسائل نفت بر ادبیات ایران، بیشتر در حوزه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نمود پیدا کرد و از همه بیشتر ادبیات نواحی جنوب و جنوب غربی ایران از جمله استان‌های بوشهر، فارس و خوزستان را متاثر کرده است؛ تقابل دو فرهنگ غرب و شرق در این مناطق جلوه‌های خود را در فرهنگ، زبان و باورها نشان داده است. حضور اولیه کاشفان نفت در مناطق جنوبی نوعی تلفیق فرهنگی و زبانی و اثرپذیری از آن در مردمان بومی این مناطق به وجود آورد. نویسندگانی که در حیطه ادبیات داستانی قلم زده‌اند و به نوعی ادبیات اقلیمی را رواج

ادبیات، نهادی اجتماعی است که برخاسته از جامعه و موثر بر آن است. با وجود نظریه‌های متفاوت در زمینه جامعه شناسی هنر و ادبیات، بیشتر منتقدان تاثیر متقابل این دو نهاد بر یکدیگر را پذیرفته‌اند. در واقع میتوان گفت؛ پدیده‌ها و تحولات هر جامعه، به گونه‌های متفاوت در آیین ادبیات آن پدیدار می‌گردد. بی‌گمان نفت به عنوان پدیده‌ای مهم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در تاریخ یکصد ساله اخیر کشور ما آثار پیدا و پنهان فراوانی داشته است. یکی از وقایع مهم در این باره، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که برای مقابله با ملی شدن صنعت نفت روی داد و آن را کودتای نفت نامیده‌اند.

تاثیر رخدادهای اجتماعی-سیاسی بر ادبیات هر مرز و بوم امری آشکار است که تاکنون با نظریات منتقدان آثار ادبی نمونه‌های بسیاری از این اثرگذاری بر سبک نویسندگان در اختیار علاقمندان ادبیات قرار گرفته است. موقعیت خاصّ جغرافیای کشور ما در دوره‌های مختلف و حضور بیگانگان سودجو در این سرزمین باعث شکل‌گیری تحولات مختلف اجتماعی از سال‌های دور تا به

مریم مرادی

کارشناسی آموزش ابتدایی

داده‌اند؛ یا از مردم بومی بودند و یا به دلیل اشتغال در شرکت نفت تحت تاثیر این فرهنگ قرار گرفتند و در داستان‌های کوتاه خود به شکل ناخودآگاه یا خودآگاهانه از چنین توانایی‌هایی بهره برده‌اند.

نجف دریابندری یکی از کارکنان صنعت نفت در داستان «مرغ پاکوتاه» راوی سلمانی (کارگر) است که قربانی جامعه صنعتی (نفت) شده است، اسماعیل فصیح در رمان «زمستان ۶۲» فضای صنعت نفت در هنگامه جنگ ایران و عراق را بازگو کرده است و هوشنگ گلشیری با تأثیرپذیری ازحوزه صنعت نفت رمان «جن نامه» را به نگارش درآورده است، اسناد کاری این نویسندگان در مرکز اسناد و مدیریت موزه‌های صنعت نفت نگهداری می‌شود.

نویسندگان داستان نویس جنوب شامل سه نسل می‌شوند: نویسندگان نسل اول شامل کسانی چون صادق چوبک، سیمین دانشور، ابراهیم گلستان و احمد محمود هستند؛ نسل دوم نویسندگان شامل کسانی چون نسیم خاکسار، محمد ایوبی، محمد بهارلو، منوچهر شفیعیانی و عدنان غریفی هستند و نویسندگان نسل سوم شامل کسانی چون نعمت نعمتی، فرشته توانگر، کوروش اسدی، علی مراد فدایی نیا و مصطفی مستور هستند. این سه نسل از نویسندگان در داستان‌های خود به تاثیر صنعت نفت بر جنبه های گوناگون زندگی مردم اشاره کرده‌اند.

مطالعه اولیه داستان‌های کوتاه نشان داد صنعت نفت در سال‌های اوج رونق و شکوفایی خود چنان در جامعه اثر گذاشت که محتوای آثار ادبیات داستانی خطه جنوب را در بر گرفت. این تاثیر به شکل گسترده‌ای عناصر سازنده داستان‌ها مانند شخصیت و پردازش آن، گفت و گو، سبک و زبان نویسنده را در برداشته است. اواخر شهریور ۱۳۲۰ به دنبال ملی شدن صنعت نفت، انگلیسی‌ها خشم خود را از استقلال ایران در صنعت نفت با ترک ناگهانی پست‌های سازمانی خود و خروج از آبادان نشان دادند؛ انگلیسی‌های ساکن در شهرهای نفتی به کشور خود برگشتند این اتفاق تاریخی از یک طرف موجبات خوشحالی مردم جنوب را فراهم آورد و از طرف دیگر تاسیسات نفتی بیمارستان‌ها و کارخانه‌های مختلف را از نیروی انسانی خالی کرد. در داستان کوتاه «مهاجرت» اثر ناصر تقوایی این زمینه سیاسی دیده می‌شود. در داستان «تبی که شیرو داشت» نیز نویسنده با ایجاد فضای سیاسی در داستان به انتقاد از صنعت نفت پرداخته است.

فضاسازی متاثر از صنعت نفت

فضای پوچ گرایی: داستان «چشم‌هایم را می‌بندم که بمیرم» از مجموعه داستانی «بوی خوش آویشن» زمینه پوچ گرا دارد.

فضای امید و آرزو: داستان «دو کبوتر زیر باران» حال و هوای دهه ۴۰ را در قالب زندگی ساده دو پسر بچه نشان می‌دهد که با تمام فقر زندگی لذت‌های کوچک خود را تجربه می‌کنند. دل‌بستگی‌های کوچک دو پسر بچه در کنار دستگاه عظیم نفت و وابسته‌هایش، پالایشگاه، لوله‌های عظیم نفتی و سینما ناهمگونی و عدم تناسب بین صداقت و عطوفت پاکی انسان را با صنعت نفت نشان می‌دهد.

فضای خشم و نفرت: وجود صنعت نفت و مسائل سیاسی اجتماعی متاثر از آن همچنان که در جامعه ایران تنش‌هایی به وجود آورد در داستان‌های نویسندگان مکتب جنوب نیز تاثیرگذار

بود. فضاهای خشم و نفرت در داستان‌های این نویسندگان بسیار دیده می‌شود؛ در مجموعه داستانی «بوی خوش آویشن» فضای خشم و نفرت بر داستان‌های «بهار»، «بوی خوش آویشن»، «چشم‌هایم را می‌بندم که بمیرم»، سیاه» و «استخر» کاملاً مشهود است. تمام این داستان‌ها خشم کارگرانی را نشان می‌دهند که به اجبار، ستم کارفرمایان خارجی خود را تحمل می‌کنند تا مبادا کار خود را از دست بدهند.

مضمون یا درون‌مایه متاثر از نفت

جهت گیری یا مضمون، جهت‌گیری نویسنده را نسبت به زندگی نشان می‌دهد. به طور کلی در داستان‌هایی که متاثر از صنعت نفت هستند درون مایه‌هایی همچون: بی‌هدفی، شادی، مهاجرت، فقر و نداشتن امنیت شغلی به چشم می‌خورد؛ برای مثال در داستان «تبی که شیرو داشت» مضمون بی‌هدفی مورد توجه قرار گرفته است. داستان‌های مجموعه «آنای باغ سیب» اثر احمد بیگدلی، «عقرب‌ها را زنده بگیر» اثر قباد آذرایین و «مثل باران مثل بودن» از نعمت نعمتی دارای مضمون شادی هستند.

داستان‌های «مهاجرت» از ناصر تقوایی، مجموعه داستانی «گرما در سال صفر» از شهرنوش پارسی پور و داستان «باید تو را پیدا کنم» از عباس عیدی به مضمون مهاجرت پرداخته‌اند؛ مهاجرت در این داستان‌ها به علت اشتغال در صنعت نفت صورت گرفته است. در مجموعه‌های «گرما در سال صفر» و «باید تو را پیدا کنم» مهاجرت از نوع داخلی است؛ یعنی ایرانیانی که از شهرهای دیگر کشورمان برای اشتغال در صنعت نفت به مناطق نفت‌خیز مهاجرت کرده‌اند.

در مجموعه داستانی «بوی خوش آویشن» از فرهاد کشوری حال و هوای داستان‌های دهه ۴۰ نشان داده می‌شود. در این مجموعه به خانواده‌های کارگرانی پرداخته شده که فقر را در تمام طول زندگی خود درک کرده‌اند؛ همچنین در این داستان که به زندگی از دست رفته یک کارگر می‌پردازد، مضمون عدم امنیت شغلی به چشم می‌خورد.

در پایان، با معرفی یک کتاب که برای علاقه‌مندان در این حوزه مناسب است این مطلب را به پایان می‌رسانیم: کتاب «از نفت.... تا داستان» روایتی از همزیستی صنعت نفت با ادبیات است. این کتاب نوشته شبثم حاتم‌پور است که در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسید. تلاش اصلی مؤلف متمرکز بر تأثیرگذاری صنعت نفت ایران بر ادبیات داستان‌نویسی جنوب کشور است. از همین روی نویسندگانی که در آثار خود، نفت را به‌عنوان تم اصلی داستانی خود به کار برده‌اند به‌عنوان هدف پژوهش انتخاب، و آثار آنان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. مطالعه این کتاب به علاقه‌مندان در این حوزه کمک می‌کند تا اطلاعات بیشتری را کسب کنند.

منابع:

مقاله تاثیر صنعت نفت ایران بر ساختار داستان کوتاه فارسی(دکتر شبثم حاتم پور، دکتر ولی‌الاه صفری، رضا کارگر کوتیانی)

مقاله تحلیل مضامین نفت در رمان همسایه ها ، اثر احمد محمود بر پایه عناصر داستان(دکتر حسینعلی قیادی، فاطمه غلامی)

هفته نامه مشعل(نشریه کارکنان صنعت نفت ایران)، مشعل شماره ۱۱۱۷-یونس صادقی

تأثیر هنر شرق بر معماری غرب

فاطمه معصومی

کارشناسی آموزش ابتدایی



قرار می‌گیرد. همچنان که کاردینی معتقد است، اندلس، مادر حقیقی تجدید حیات علمی غرب است. در این راستا، می‌توان دلایل تأثیر پذیری معماری غرب از معماری اسلامی را در منابع مستندی همانند میراث اسلام و شرق زدگی، الهامات اسلامی در هنر و معماری انگلستان و آمریکا به وضوح دید. پژوهشگران بی‌غرض حوزه تاریخ تمدن، به ویژه تاریخ اسلام و اروپا، همگی بر تأثیر دستاوردهای مسلمانان بر اروپا در حوزه‌های مختلف از جمله هنر در قرن چهارم هجری تأکید می‌ورزند. اما در ردیابی مصنوعات هنری در آثار موزه‌ای و کتب منتشره در دو حوزه تاریخ تمدن و تاریخ هنر با فقدان آثار تولید شده توسط هنرمندان اروپایی قرن دهم میلادی، تحت تأثیرپذیری از هنر اسلامی قرن چهارم مواجه می‌شویم. به نظر می‌رسد که آثار اسلامی قرن چهارم هجری از طریق بازرگانی و هدایای خلفای اسلامی به پادشاهان، اشراف و شوالیه‌ها به اروپا در قرن دهم میلادی منتقل شده است، اما هنرمندان اروپایی با توجه به شرایط نابسامان آن دوران، تنها دریافت کننده و سفارش دهنده آثار بودند و به تولید آثار با بهره‌گیری از ویژگی‌های اسلامی اهتمام نوزبیدند. به احتمال زیاد تأثیر پذیری از ویژگی‌های اسلامی در قرون بعدی که وضعیت پایدارتر است، پدید می‌آید.

اندلس (یا همان اسپانیای امروزی)، حلقه واسط فرهنگ و

سرزمین‌های اروپایی در قرون وسطی از جمله در قرن دهم میلادی قربانی جنگ‌ها، غارتگری‌ها و رقابت‌های شوالیه‌ها و طبقه اشراف بودند و از امنیتی نسبی برخوردار نبودند، ایشان همواره سعی داشتند با تشکیل دولت‌هایی مستقل و جنبش‌هایی، به دنبال ایستادگی در برابر مهاجمان و شکست آنها، از وضعیتی پایدارتر برخوردار شوند. مورخان از قرن دهم، به آخرین دوره از (عصر فترت) یاد می‌کنند. در این قرون، اروپا به لحاظ اقتصادی، سیاسی، دینی و اجتماعی، وضعیت علمی و فرهنگی در شرایط نامطلوبی به سر می‌برد. این در حالی است که، سرزمین‌های اسلامی در قرن چهارم هجری، دوره رنسانس و شکوفایی خود را می‌گذراندند، عصری که مسلمانان در تمامی حوزه‌های تمدن (همچون علم، فرهنگ، صنعت و هنر) پر آوازه و صاحب نظر بودند. بعضی منابع تأثیرات علمی مسلمانان بر مردم اروپا را از طریق اندلس (اسپانیای امروزی) و سیسیل می‌دانند و در آنجا است که، دستاوردهای هنر اسلامی مورد توجه مردم اروپا

هنر اسلام و غرب است. حضور هشتصد ساله مسلمین در این سرزمین و به بار نشستن عمیق فرهنگ و هنر اسلامی، اسپانیا را پلی میان دو تمدن تبدیل نمود. شاید اولین حاکم اسلامی که اندلس و به ویژه قرطبه را به مرکزی فرهنگی تبدیل و آن را مهم‌ترین نقطه اتصال فرهنگ و هنر اسلامی با غرب قرار داد، عبدالرحمان دوم (متوفی ۲۳۸ هجری - ۸۵۲ م) باشد. در زمان وی اندلس به پیشرفت‌های فرهنگی، علمی، فنی و هنری شگرفی دست یافت و طلایه‌دار فرهنگی متعالی در رویارویی با تمدنی گردید، که آغازین قرون دوره تاریکی خود را پشت سر می‌گذاشت.

هنر و معماری، مظهر دیگری برای ظهور نبوغ و استعداد شگرف مسلمین در اروپا از طریق اندلس بود. این حضور در رشته‌های مختلف هنری چون شهرسازی، معماری مساجد، کاخ‌ها، پارک‌ها و پل‌ها، ضرب سکه، خوشنویسی، زردوزی بر روی پارچه، نساجی و کاغذسازی، چشمگیر بود و در بطن خود دارای چنان روح زیباشناسانه و قدرتمندی بود که به همان صورت مورد تقلید اروپاییان قرار می‌گرفت.

در معماری، اولین نمونه شگفت‌انگیزی این حضور، مسجد جامع قرطبه است. مسجدی که یکی از معماری‌های شکوهمند جهان اسلام است و در سال ۱۶۸ هجری بنای آن توسط «عبدالرحمن داخل» آغاز شده و توسط هشام فرزندش در سال ۱۷۷ هجری به پایان رسیده بود. این مسجد دارای ۱۳۹۲ ستون از سنگ مرمر بود که با طاق‌های نیم‌دایره مانندی به هم پیوند می‌خورند؛ در شب برای روشن کردن آن از ده هزار آویز و شمعدان بزرگ ساخته شده از مس استفاده می‌شد. (لازم به ذکر است که مسیحیان پس از تسخیر اندلس، با تخریب قبه‌های بزرگ مسجد و از بین بردن تزیینات دیوارها، محراب و منبر سعی کردند هویت اسلامی بنا را از بین ببرند گرچه حضور آیات قرآنی بر سنگ‌های محراب این هویت را حتی تا به امروز فریاد

می‌کند.) عبدالرحمان دوم به تقلید از همین مسجد عظیم، مسجد جامع اشبیلیه را بنا نمود و با توسعه قصر قرطبه و نیز کشیدن دو خیابان در دو کناره رود «وادی کبیر»، گردشگاه بسایر زیبایی برای قرطبه فراهم نمود. این حاکم مسلمان، غرناطه را از حیث زیبایی و آبادانی بدان جا رساند که محققانی چون «مسیو سیمونه» و «اولوجیو»، غرناطه را شهر زیبایی و عظمت نامیدند. همچنین عبدالرحمن سوم (متوفی ۳۵۰ هجری ۹۶۱ میلادی) ملقب به «الناصر» پس از عبدالرحمن دوم، نقشی مهم و عظیم در فرهنگ و هنر اندلس دارد. یکی از مهم‌ترین کارهای این حاکم، ساخت شهری تحت عنوان «الزهره» (در سال ۳۲۴ هجری) بود. به نقل ابن خلدون، ناصر، با فراخواندن معماران، هنرمندان، معبدسازان، خطاطان و نقاشان از سراسر اندلس، بغداد، مصر و حتی قسطنطنیه، شهری بسیار زیبا با بناهایی باشکوه بنا کرد. یکی از شکوهمندترین این بناها قصر الزهرا و به ویژه تالار پذیرایی آن بود. در وصف این تالار آورده‌اند: «این تالار زیر قبه‌ای مرتفع که دیوارهای آن از سنگ مرمر بنا شده و با طلا و شنگرف تزیین شده و حوضی بزرگ و زیبا را در میان داشت بنا شده بود. در وسط حوض مجسمه کم‌نظیر و زیبایی نصب شده بود که از دهانه‌های آن آب می‌پاشید و امپراتور روم این مجسمه را با در گرانبه‌ای دیگر به خلیفه الناصر هدیه کرده بود. در این حوض از گیوه (زنبق) به جای آب استفاده شده بود؛ که با وزش باد و با ایجاد حرکتی، مایع گیوه به حرکت و جنبش درآمده و چون آیینیه‌های شکسته و یا متحرک، نور و روشنایی را به اطراف منعکس می‌کرد، و گاهی چون درخشش برق در آسمان موجب لذت و خوشایند و یا ایجاد وحشت و رعب می‌کرد و گاهی حاضران در تالار دست‌های خود را در برار چشمان خود قرار می‌دادند که از فشار نور و شدت برق آن بکاهند.» به نقل «ابن عذاری» که با دقت و وسواس تعداد ستون‌های کاخ‌های «الزهره» را شمرده است، این کاخ‌ها ۴۳۱۳ ستون مرمرین داشتند.



باغ‌ها و پارک‌هایی که در الزهرا ساخته شدف این شهر را به یکی از زیباترین شهرهای جهان تبدیل نمود. برخی مورخان، این شهر و به ویژه قصر الزهرا را با افسانه‌های هزار و یک شب مرتبط ساختند. تزئین هنری این قصر با نقش و نگار آیات قرآنی و گچ بری‌ها و نقاشی‌های هنرمندانه‌ای همراه بود که به تعبیری تا آن زمان، هیچ بلند پروازی قادر به آفرینش نظیر آن نبود. در کنار قصر مسجدعظیمی نیزساخته شد که یکی از بی‌نظیرترین معماری‌های اندلسی بود.

تمامی این هنرمندی‌ها و معماری‌های باشکوه، خود تمهید و مقدمه‌ای برای «الحمراء» بود. این «لؤلؤی نشانه در میان زمرد» (به تعبیر شاعران مراکشی)، «شاهکار بی‌رغیب هنراسلامی غربی» بود که مدت‌ها چشم اروپا را خیره کرد. الحمراء که شهر پادشاهان بنی نصر بود به واسطه کاخ‌هایش به شهرتی افسانه‌ای رسید و به جواهر نشانی پرشکوه تبدیل شد.

«هلن گاردنر» که در کتاب «هنر در گذر زمان» خود، گچ بری‌های الحمراء را همتای خیال‌پردازی‌های ظریف شاعران مسلمان می‌داند، در تأثیر سبک معماران الحمراء بر اروپا و آمریکا می‌آورد: «نفوذ این سبک بر هنر اسپانیا در سراسر سده‌های میانه همچنان قوی بود و تا دوره رنسانس نیز رسید و رگه‌هایی از آن را می‌توان حتی در هنر مستعمرات اسپانیا در قاره آمریکا مشاهده کرد.» «ماريانا مورخ اسپانیایی و سایر مورخان بزرگ این کشور با احساسات ملی و تعصب دینی همراه با دشمنی و کینه‌توزی عمیق نسبت به عرب، همیشه تألیفات مورخان عرب را تحقیر کرده و ناچیز شمرده‌اند، در نتیجه روش علمی بحث و اسناد تاریخی عرب با نوشتارهای مسیحی را رد کرده‌اند و ترجیح داده‌اند تألیفات خود را بر پایه دیدگاه مسیحیان از تاریخ گذشته تنظیم کنند، لذا تاریخ اسپانیای قرون وسطی با وجود تحقیقات مورخان معاصر، همچنان جولانگاه خرافات و تناقضات است»

ساختمان کلیسا (که در اندیشه و حکمت مسیحی به مثابه تن عیسی بود) نیز از الگوهای معماری مسلمین بهره‌های فراوان برد: «در سیسیل در سال ۱۱۳۲ کاپلاپالتینا، و در سال ۱۱۳۶ کلیسای مارتورانا و در ۱۱۵۴ لازیزا و در ۱۱۸۰ لاکوبا ساخته شد. این بناها از حیثه تسلط مسلمین خراج بود؛ ولی باید دانست

که حتی اگر بناهای مذکور به وسیله نورمان‌ها ساخته شده باشد باز نکته مهم‌تر در همین فضا تأثیر معماری اسلامی - به ویژه در استفاده از هلال‌های نوکدار - بر معماری گوتیک است. این نکته گرچه در اکثر تألیفات مورخان هنر معمولاً نادیده انگاشته شده و از آن ذکری به میان نمی‌آید اما شباهت فوق‌العاده برخی معماری‌های گوتیک با معماری اسلامی (که در تصاویر زیر مشهود است) تقریباً هرگونه تردیدی در این تأثیرگذاری را از بین می‌برد.

شرح مستند «بریگز» در این تأثیرگذاری چنین است: «سبک تزئیناتی که در ساختمان برج و باروها بکار می‌رفت از بین‌النهرین به قاره و از آنجا به ایتالیا نفوذ نمود و بعداً یکی از مشخصات معماری گوتیک گردید. حروفی که بر روی سنگ و چوب کنده می‌شده و در قرن نهم در مسجد ابن‌طولون در قاهره مشهود می‌گردد بعداً در ساختمان‌های گوتیک دیده می‌شود. بعلاوه نوشتن حروف کوفی هنگام اشغال ایالات جنوبی به وسیله مسلمین در فرانسه نفوذ نمود و در انگلستان نیز مواردی هست که نفوذ تزئینات ساختمانی عرب را در آن کشور مشهود می‌سازد از آن جمله بنای کلیسای «وست مینیستر» نشانه خوبی است. نقوشی که اعراب در چوب می‌کنند بعداً در انگلستان بر روی فلزات معمول شد. طرح عرسبک و استعمال نقوشی هندسی جهت تزئینات محققاً جزو دیون ما به مسلمین محسوب می‌شود، یعنی همان مسلمینی که خود مبدا اصول بسیاری در علم هندسه بودند. تمام آنچه گفته شد نکات بخصوصی بود که مختصراً به ذکر آنها و بعداً به طور دوستانه در قرون وسطی در معماری‌های مغرب زمین نفوذ بسیار داشته که در این مختصر ذکری از آن نگردیده است.

منبع:

بر گرفته از مقاله انتقال هنرهای صناعی سرزمین های اسلامی از قرن چهارم هجری قمری به اروپای غربی در قرن دهم میلادی منتشر شد

(<https://tovman.ir/fa/node/177>)

<http://yaserzavarei.blogfa.com/post/36>



معرفی کتاب

ستاره‌ها چیدنی نیستند

کتاب ستاره‌ها چیدنی نیستند به قلم حجت‌الاسلام محمدعلی حبیب‌اللهیان در زمستان ۱۴۰۰ توسط نشر معارف برای اولین بار منتشر شده است. این کتاب که در دسته‌ی رمان‌های ایرانی قرار می‌گیرد درباره‌ی زندگی دختری آمریکایی به نام سارا است که به دنبال یافتن پاسخ برخی پرسش‌های اساسی که ذهنش را مشغول کرده است به مرکز مطالعات اسلامی نیویورک مراجعه می‌کند و داستان زندگی‌اش دچار تغییراتی می‌شود. این داستان برگرفته از یک روایت واقعی است.

این کتاب پیرامون سبک زندگی بانوان و با محوریت موضوع حجاب با نگاهی فرادینی و فراملیتی است و از مهم‌ترین امتیازات آن اینکه در قالب یک داستان زیبا، جذاب و واقعی از زندگی یک دختر آمریکایی به رشته تحریر درآمده است.

نویسنده این رمان را در ده فصل تنظیم کرده و در هر فصل به موضوعاتی درباره زنان همچون حقوق زنان در ادیان مختلف، توحش غرب علیه زنان، نگاه جنسیتی به زنان، بهره‌گیری دنیای غرب از زنان، عفاف، حجاب و پوشش زنان پرداخته است.

از جمله نقاط قوت کتاب بررسی دقیق و با استدلال منطقی و به دور از تعصب و با ارجاع به بیش از صد منبع مورد تایید موضوع حجاب و حقوق زن در اسلام است. حجت‌الاسلام محمدعلی حبیب‌اللهیان در این کتاب کوشیده است تا در قالب رمان به بررسی این پرسش که آیا حجاب مانع آزادی زن است و یا به او عزت می‌دهد و یافتن پاسخ این پرسش بپردازد.

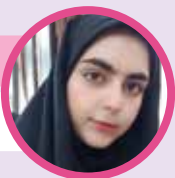
گزیده

در آغاز کتاب این دختر آمریکایی این گونه توصیف شده است:

من، سارا دختری بیست ساله، فرانسوی تبار، از خانواده مسیحی بزرگ شده و شهر مدرن و ماشینی نیویورک هستم. شهری که اکثر مردمانش صبح قبل از طلوع آفتاب آماده رفتن به محل کار می‌شوند و تا آخر شب همانند یک ربات برای رفاه بیشتر کار می‌کنند؛ رفاهی که در گرو کار کردن بی‌وقفه آنان است و شهری که مردمانش دل خوش کرده‌اند به تفریحات آخر هفته و اینکه هر از چند گاهی به «لاس وگاس» بروند؛ اما همه گمشده‌ای دارند! «آرامش و احساس رضایت...».

زهرا عباسی

کارشناسی آموزش ابتدایی





سلام بر آنکه تبر زد بی آنکه جوانه را ببیند.

معلم کسی است که بر خاک چون باران نشیند و می‌داند هر خاکی چه دانه‌ای خواهد و در آخر سرزمینی سبز به جا می‌گذارد. هر آدمی معلمی دارد. معلمی که اولین الف را یاد داد و معلمی را در دفتر قلبمان حک کرد. معلمی که غم‌ها را مشتق گرفت. عناصر محبت را درهم آمیخت. معلمی که از خط خطی‌های ناموزون و غمگین زندگی، غزلی موزون ساخت. معلمی که فلسفه‌ی آدمیت را آموخت تا انسان را سعادتمند کند و معلمی که راه را از سجاده تا عرش خدا کشید.

اما معلم من، نه ساخت نه سرود و نه نشان داد، نه حک کرد. تنها آنچه برای من به جا گذاشت مثنوی شکست‌ها بود. آن لحظاتی که من به عادت کودکانه می‌خندیدم، جواب من نه دست نوازش بلکه ترکه‌ی معلم بود. من چوب معلم و زمزمه‌ی محبت را می‌دانم. اما آقای معلم، چوب شما زمزمه‌ی محبت نبود. من عاصی بودن را احساس می‌کردم. آقای معلم شاید اصلاً به یاد نیاورید آن دبستان کوچک در کوچه سنایی خیابان ۵۲ را، شاید اصلاً به یاد نیاورید کلاس چهارم را، و امیدوارم به یاد بیاورید دانش آموزی که چشم‌های میشی داشت و قد متوسط و موهایی که بلندتر از بقیه‌ی پسرها بود و روی دست راستش یک خال بزرگ داشت. چون من هیچگاه شما را فراموش نکردم.

همان روز اول وقتی که شما یک شعر از حافظ را اشتباه خواندید و من درستش را خواندم و شما ترکه را محکم روی خال دستم زدید و بعد از آن این حکایت ادامه پیدا کرد.

آقای معلم، من امروز به یاد شما نیوفتادم بلکه مدت‌هاست به شما فکر می‌کنم. افکارم دو بال خود را هر بار به پرواز گذشته وا می‌دارد. بی شک اولین و آخرین در شما هستم. یکی از روزهای پاییز یکی از پسرهایم دفترش را باز کرد و دوبیتی خواند و گفت که خودش سروده. لبخند شیرینی زده بود به شیرینی دوبیتی‌های باباطاهر. همان شاعری که شما دوست نداشتید و هرگاه به اشعارش می‌رسیدیم با کج خلقی گذر می‌کردید بی آنکه بدانید باباطاهر منتظر ماست.



مریم سارابه
کارشناسی امور تربیتی

پیشانی پسر را بوسیدم و تشویقش کردم. وعده کرده‌ام یک کتاب از اشعار بابا طاهر به او هدیه بدهم. شاعر خوبی می‌شود. هدیه‌ی شما را هم به یاد دارم وقتی که اولین غزل را در کلاس خواندم. حق داشتید بخندید و لگدی بزنید و مسخره کنید؛ واقعا شعر مسخره‌ای بود! آنقدر مسخره که تا همین چندی پیش من غزل ننوشتم. بی شک هر تبری شکلی دارد و من نمی‌دانستم که تبر مدرسه می‌تواند شبیه معلم آن باشد.

آقای معلم، بر خاک نباید لگد گذاشت. اگر دانه‌ای کاشتید باید آن را دوست بدارید تا درخت شود. و اگر دانه‌ای نکاشتید لااقل بر دیگر درختان تبر نزنید. من انشای خوبی نوشته بودم. هنوز قاب شده بر دیوار است. کنار لوح تقدیری که برای آخرین داستانم گرفتم؛ انشایی نوشتم درباره‌ی بوی عطر. شما تا انتها گوش دادید و در آخر کاغذ را به همراه ذوق من پاره کردید و بر زمین ریختید. من اما ذوق و استعداد را همراه پاره‌های کاغذ برداشتم و چسباندم و به دیوار زدم.

آری... کینه در دل معلم نمی‌نشیند. امروز که همه معلمان ایستادند و برای من دست زدند شما هم آنجا بودید. دست‌هایتان را بهم کوفتید و لبخند روی صورت چروکیده‌تان بود. برای من دست زدید به عنوان معلم برتر و محبوب. دیدید که پسرانم من را در آغوش گرفتند و تشویق کردند و گفتند معلمشان را دوست دارند. امروز آن درختی که تبر زده بودید، تشویق شد به خاطر کاشتن و زنده نگه داشتن درختان.

آقای معلم ممنونم که با زانوان خسته و پیرتان ایستادید و تشویقم کردید.

اتفاقات خوب

کسب رتبه سوم نشریات برگزیده
فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و...
جشنواره ریش قلم ۳ - استان خوزستان





امام علی (ع) می‌فرمایند:


هر کسی که نهایت تلاش خودش را برای رسیدن به
هدف به کار گیرد، به تمام خواسته‌هایش خواهد رسید.



برای انتشار مطالب خود در نشریه نبض حیات کافی است، مطالب خود را به همراه نام و نام خانوادگی، رشته و محل تحصیل خود برای سردبیر نشریه ارسال کنید. همچنین شما می‌توانید در شبکه‌های مجازی پردیس زینبیه جدیدترین شماره‌های نشریه را دانلود و مطالعه کنید.

 @nabzehayat_cfu

 @nabzehayatnh

 @N_saadati: سردبیر